

اظهر تبریزی

یکی از معروفترین خوشنویسان قرن نهم، اظهر تبریزی، شاگرد میرزا جعفر یابسنه‌غری است.

اظهر در بدایت حال از تبریز بهرات سفر کرد و ملازم سلطان ابوسعید بن محمد بن میرانشاه تیموری (۸۵۵-۸۷۳) گردید؛ ولی از آثار موجود وی چنین برمی آید که برای شاهزاده یابسنه‌غری میرزا و سلطان ابراهیم میرزا فرزندان شاهرخ تیموری و پیربوداق قراقویونلو (۸۶۶-۸۷۱) نیز کتابت می کرده است.

عبد الرزاق سمرقندی در تاریخ «مطلع سمدین و مجمع بحرین» خود، در ذکر وقایع سال ۸۳۷ آورده است که: «امروز ظهیر الدین اظهر، در خط نستعلیق، از شاگردان جعفر بی نظیر عصر است.»

متأخرین تذکره نویسان مانند میرزا حبیب و میرزا سنگلاخ و عبدالمحمد خان تربیت، گفته اند که، اظهر از هرات به یزد و کرمان و اصفهان و شیراز و یزد، النهرین سفر کرده از راه خشکی زیارت مکه رفته و حج گزارده و در بازگشت بموصل و حلب آمده است و از آن میان، میرزا سنگلاخ گوید که بنحواش شیخ الاسلام حلب کتیبه جامع شهر را نوشته است (که جزوی دیگری متذکران خبر نیست) و از حلب به بیت المقدس رسیده و همانجا مانده تا سال ۸۸۰ در گذشته است.

متقدمین تذکره نویسان باظهر لقب «ظهیر الدین» داده اند و تنها دوست محمد کاتب (۱) او را با لقب «مظهر الدین» یاد کرده است و متأخرین

(۱) دوست محمد کاتب، مرقمی برای ابوالفتح بهرام میرزا، برادرشاه طهماسب اول صفوی، بسال ۹۵۱ ترتیب داده و مقدمه ای بآن نوشته است که خود تذکره مختصری از احوال هنرمندان است.

این مرقع اکنون در کتابخانه «خزینة اوقاف» اسلامبول، شماره ۲۱۵۴ نگامداری میشود.

با لقب « استادالاساتید » و « استاد استادان » داده‌اند، که بنظر میرسد نخستین آنها، بعنوان نسبت استادی سلطانعلی مشهدی، او را چنین خطاب کرده باشد و دیگران بعد از او، به تبعیت او، این عنوان را لقبوی دانسته و ذکر کرده‌اند.

صاحب « مرآة العالم » و شیخ ابوالفضل بن مبارک منشی، اظهر و جعفر هر دو را شاگرد میرعلی تبریزی دانسته‌اند و سپهر در تذکره خود اظهر را شاگرد میرعبدالله، فرزند میرعلی تبریزی و سال وفات ویرا ۸۶۲ ذکر کرده است، که این هر دو قول ضعیف است؛ زیرا که علاوه بر اینکه عموم تذکره نویسان متقدم ویرا شاگرد بی واسطه جعفر می‌دانند، خود اظهر نیز باین مطلب اشارتی دارد و در یک صفحه از مرقع بهرام میرزای صفوی مذکور این عبارات بخط اظهر خوانده میشود:

« مفردات و مرکبات نسخ تعلیق علی طریق واضح الاصل خواجه امیرعلی تقی‌الله بفرانه و مخترع الثانی و هو الشیخی و قبلتی مولانا کمال‌المله والدین جعفر التبریزی روح‌الله روح‌العزیز. کتبه اظهر. »

عموم تذکره نویسان، اظهر را تبریزی می‌دانند و خود وی نیز در چند موضع نام خود را بانسبت تبریزی رقم کرده است؛ فقط مالک دیلمی، خوشنویس، در مقدمه مرقع امیرحسین بیک (۱) او را هروی خوانده است، که بنظر میرسد بسبب طول اقامت وی در هرات، باین نسبت معروف شده باشد.

قدمای خط شناس، اظهر را سومین استاد خط نستعلیق (بعد از میرعلی و میرزا جعفر تبریزی) می‌دانند و غالب بر این عقیده‌اند که، همچنانکه جعفر از استاد خود میرعلی، نیکوتر می‌نوشته، اظهر هم از استاد خود جعفر خوش‌تر می‌نوشته است؛ یعنی اگرچه خط جعفر استوار و پخته و نمکین است ولی کند و شکسته می‌نوشته و اظهر محاسن صفات خط استاد را داشته، به‌علاوه درست کتابت می‌کرده است و صاحب « گلستان هنر » این معنی را جامه دیگری

(۱) این مرقع را مالک دیلمی در زمان شاه طهماسب اول برای امیرحسین- بیک یوزباشی در سال ۹۶۸ ترتیب داده است و مقدمه آن که بخط و انشاء مالک است، نیز خود تذکره مختصری از هنرمندان خوشنویس و نقاشان و مذهبیان و غیره است.

این مرقع اکنون بشماره ۲۱۵۱ در کتابخانه « خزینه اوقاف » اسلامبول نگاهداری میشود.

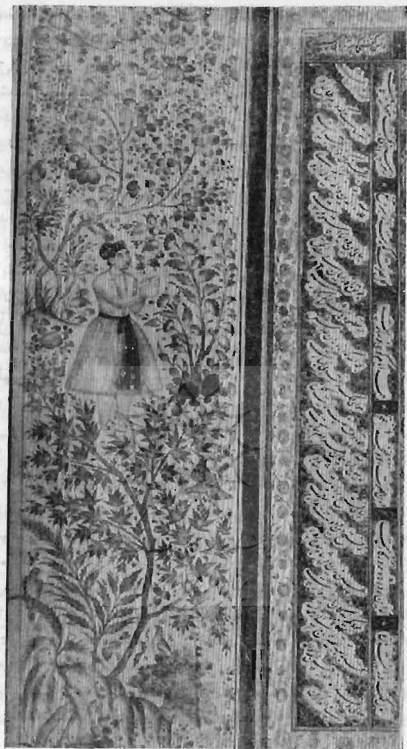
یوشانیده و گفته است که : اظهر شاگرد جعفر بروشی دیگر نوشته است .
 بهترین حکم را در این امر، میرعلی هروی که خود استاد مسلم خط
 نستعلیق است، کرده و در رساله «مداد الخطوط» خود آورده است که: نسبت
 خط نستعلیق اظهر بجعفر، مانند عبدالله صیرفی است بیاقوت مستعصمی، در
 خط نلک، که اگرچه صائر از استاد می نوشت، ولی در اصول بوی نرسید .
 در باره کیفیت خوشنویسی خط نستعلیق اظهر و جعفر و بعد سلطان علی
 مشهدی، تذکره نویسان قدیم راه مبالغه پیموده و چنان وانموده اند که ایشان
 در مدارج خوشنویسی این خط، باعلی مراتب رسیده اند؛ در حالیکه کمتر از پنجاه
 سال بعد از اولین آنها خوشنویسان متعددی پیدا آمدند که هر یک بر مراتب از
 این سه استاد شهیر خط نستعلیق، شیواتر و استوارتر و کاملتر نوشته اند .
 حقیقت اینست که اگر این اندازه این چندتن را ارجمندمی دارند، از آنروست
 که اینان پیشوایان وضع این خط هستند، و گرنه نمونه خطوط آنها حاضر
 است و با اندک دقت، مایه خوشنویسی آنها معلوم میشود .

در باره سلطان علی مشهدی بعداً مفصل سخن خواهیم گفت؛ ولی در
 باره اظهر باید اینک دانست که وی نیز مانند استاد خود جعفر، اگر چه
 بخوشنویسی نستعلیق سرور است، خطوط اصول و مخصوصاً ثلث را بمایه
 بزرگترین خوشنویسان، نیکو می نوشته است، و نمیدانم که چگونه ویرا جزو
 استادان قلبهای شش گانه نیاورده اند، در صورتیکه آثار گرانبهای موجود
 وی نمونه بهترین خطوط اصول است .

از شاگردان معروف اظهر، سلطان علی مشهدی و سلطان علی قایبی و شیخ
 بایز بدیورانی را ذکر کرده اند و نیز صاحب «مناقب هنروران» و مالک دلمی،
 عبدالرحیم انیسی خوارزمی را شاگرد وی دانسته اند؛ بلاوه مالک، سلطان
 علی سبز مشهدی و شیخ محمد امامی و غیب الله امامی را نیز شاگرد او دانسته است.
 از آثار باقی مانده خطوط نستعلیق اظهر، آنچه تاکنون در ایران دیده ام
 عبارتست از : چند قطعه بقلم دو دانگ و کتابت خفی خوش، «در مرقع
 گلشن» کتابخانه سلطنتی ایران .

یک سفینه اشعار در مجموع، آقای حاج محمد آقای نخجوانی در تبریز،
 که متر را بخط نستعلیق، بقلم کتابت خوش و عناوین آنرا بقلم رقاع کتابت نوشته
 است و چنین رقم دارد :

«تمت الكتاب بون الملك الوهاب بيد الاحقر اظهر تبریزی، شهر
 رجب سنه سبع و سبعین و ثمانمائة»



قسمتی از یک صفحه از مرقع گلشن کتابخانه سلطنتی ایران

يك نسخه «كامل شش دفتر مشنوی» مولانا جلال الدین بلخی، جزو
مجموعه نگارنده، كه متن آن بقلم نستعلیق كتاب خفی و عناوین بقلم رقاع
نیدودانگ است و چنین رقم و تاریخ دارد: «تم كتاب الشنوی المولوی...
علی یدی اضعف عباد الله الاقدر العید اظهر ستر الله عیوبه فی ربیع الاول سنة
انی و سبعین و ثمانمائة.»

اما بیشتر آثار وی در کتابخانه ها و موزه های اسلامبول است، بدین قرار:
يك نسخه «مقطعات ابن یمن»، بقلم كتابت خفی خوش كه برای پیر بوداق
كتاب کرده است و چنین تاریخ و رقم دارد: «تمت فی رابع شهر رجب المرجب
سنة اربع و ستین و ثمانمائة بمشهد الرضویة علیه السلم و التحیة. اظهر.»، در موزه
«آثار اسلامی ترك» اسلامبول؛

پنج قطعه در مرقعات مختلف، بقلم های نستعلیق خوش از دو دانگ تا
غبار، كه یکی از آنها چنین رقم و تاریخ دارد:
«كتبه العید... اظهر الكاتب... فی شهر رسته ثلاث و خمسين و ثمانمائة»
بدار السلطنة هرات...»، در كتابخانه «دانشگاه» اسلامبول؛

۲۹ قطعه از مرقعات بهرامیرزا شاه اسمعیل، امیر حسین بیك، امیر غیب بیك،
كه بخطوط نك ممتاز و رقاع عالی و نستعلیق خوش، بقلم های از چهار دانگ
تا غبار، نوشته است و تاریخ های ۸۴۰ و ۸۷۳ و از جمله بعضی چنین رقم دارد:
«... دولة السلطان الاعظم سلطان ابوسعید گوركان خلد الله تعالى
ملكه و سلطانه. كتب العید... اظهر تجاوز الله عن سیئاته، بدار الامان
سمرقند» و «كتب العید... اظهر تجاوز الله عنه بیلدة شماخی... سنة ثلاث و
سبعین و ثمانمائة الهجرية النبویه» و «اللهم خلد دولة السلطان الاعظم
الاعدل الاكرم المختص بنایة الملك الرحیم سلطان ابراهیم [بن شاهرخ
متوفی سنة ۸۳۸] خلد ملكه. كتب العید... اظهر...». در كتابخانه «خزینه
اوقاف اسلامبول»؛

و جز اینها در مجموعه های دیگر:

يك نسخه «كلیات عمادقیه کرمانی»، بقلم كتابت خوش با رقم و تاریخ:
«برسم خزانه الكتب السلطان الاعظم بایسنغر بهادرخان خلد الله ملكه.
اظهر. ذوالحجة ۸۳۴.»

يك نسخه «خمسة نظامی و امیر خسرو دهلوی»، بقلم كتابت خوش با رقم
«تمت الكتاب بعون الملك الوهاب بید الاحقر، اظهر تبریزی. شهر رجب
الرجب سنة سبع و سبعین و ثمانمائة در دار الامان اصفهان»، در كتابخانه
«دانشگاه پنجاب»، لاهور.

سارانی جو کا خروید
بوس سوسوی جو
بر سرب درون
برنی ویا شست آن
درست پوست
ماکن سار ناخوش
تینے میزید در ابطی
ظرف برتری شود
انکه که توی آ
بر خور و باینه
سارینه اندر محراب

نی شاست آن خروید
گفت که در صبح حکم چون
تا شود سیر درون
نی شود خاطر پیر چون
مونت او یا که کا زیاد
گفت در و طعم خوش آردی
بر نبادی سوسو این توی
بردی اوزشت و بر شو
بردی علت ترا و بر
سر برین ایوان وان کردی
تا شوی در بیای چسب در آن

سوی گل خود روی مرد خدا
چون جاست این توش چون
از تست و زبونی که قدم
مخمن از قول و نقل دروان
آب را سوسوی چون
گفت اند که دور در س
بردی برت رود در پس
سوی و درخ میروان رود
ر و سوسوی اصل در کون
این خودی بسنج کن شد
تقد کوی کن که ز فتم در می

در خودی که گذر ز مانی با خود
بر سرباید درون نی
می نماید خود در سار
می شود میدا که تیر ساست آن
تا کند و آب شین کن
ست سنبون و کر مای
می شود صافیش دردی کو
لی عذاب بخرد ز نار خدا
بکدر از استار و در جوی
تا غایب ز بحر ایلیسی خدا
میں نش واد علم با خود

تم کتاب المشنوی المولوی الشیخ من کلام الله صید

احادیث رسولها الوحید الفزید مرشد اصحاب
الایقان و العرفان موضع مضلات ایامنا
المسئوب الی القدوة العرفا المحققین المقتدرین و مد
الاتقیاء المقدمین و المناخر طاب الله ثراه
و جعل فرایس جنانه مضجعه و مثواه علی

يك نسخه «خسرو و شيرين» نظامی ، بارقم «اظهر» و تاريخ ۸۲۴ در كتابخانه John Rylands ، منچستر .
 يك نسخه «هفت بيكر نظامی» بارقم «اظهر» در - Metropolitan Museum of Art ، نويورك .
 علاوه سه نسخه كتاب يا رقم اظهر ديده ام كه صحت انتساب آنها بوي معلوم نيست و عبارتند از :

يك نسخه «بوستان سدی» ، بارقم « مشقه اظهر الكاتب» با تاريخ ۹۸۷ در «موزه كابل» است كه با اين تاريخ تحرير مسلمانان از اظهر تبريزي نيست و اظهر نام كاتبی را كه يك قرن پس از اظهر تبريزي زيسته باشد نشناختم .
 يك نسخه «ديوان حافظ» ، بارقم « اظهر كاتب» بدون تاريخ تحرير بخط نستعلیق كتاب جلی عالی ، در مجموعه آقای دکتر اصغر مهدوی در تهران است كه خط آن بمراتب نيكوتر و كاملتر از خط اظهر است و يقيناً بيش از نيم قرن پس از مرگ او كتابت شده و رقم آن مجهولست .
 يك نسخه «كلييات اوحدي» ، جزو ممتلكات شادروان « عالی نورك گلدی» سفير كبير اسبق دولت تركيه در تهران ، ديده بودم كه رقم «اظهر» آن العاقی بود .

آنچه از مطالعه مجموع اين آثار اظهر برمی آيد ، اينست كه : خفی را از جلی و كتابت در ازمش و خطوط اصول را از نستعلیق ، خوشتر و از جمله خطوط ، تلك را از همه استادانه تر می نوشته است .
 تاريخ تولد و وفات اظهر بدستی معلوم نيست و قدمای تذكره نويسان حتی سال مرگ وی را ذكر نكرده اند و اينكه سپهر تاريخ وفان و براسال ۸۶۲ ضبط کرده روا نيست ، زیرا كه از آثار وی تاريخ تا سال ۸۷۲ موجود است و بنا بر اين ميتوان تاريخ ۸۸۰ را كه متاخرين برای مرگ وی متذکرند صحيح دانست .

باينقرار بايد عمری طولانی بيش از هشتاد سال کرده باشد كه عبدالرزاق سمرقندی در سال ۸۳۷ ، او را از خوشنويسان بی نظير عصر خوانده است ، و آثاری كه در حدود اين تاريخ از وی بجای مانده حاکی است كه بايد قول عبدالرزاق را پذيرفت و چون كتابت وی از سال ۸۲۴ نیز بجاست و فرض كنيم كه در همان تاريخ يست و چهار ساله بوده باشد ، بايد لا اقل هشتاد سال زيسته باشد .